

رویکرد به محفوظات یا شکوفایی اندیشه؟

کتاب از عوامل و عناصر بسیار مهمی است که در ماندگاری و توسعه تمدن، نقش بسزایی دارد. در انتقال معارف، باورها، فرهنگ، اندیشه و اندوخته‌های علمی بشر از نسلی به نسل دیگر نقش کتاب حائز اهمیت است. وقوع پدیده انقلاب در ارتباطات و فناوری رایانه‌ای در جهان هرچند سبب رشد و توسعه دانش گردیده است، اما نمی‌توان نقش و جایگاه کتاب را که یکی از رکان اصلی تعامل فرهنگ و اندیشه‌های انسانی و علل تعیین کننده انتقال عرضی و طولی معرفت در جامعه انسانی است، فراموش کرد.

در ایران، کتاب از شاخص‌های مهم توسعه فرهنگی به شمار می‌رود؛ اما برای رسیدن به وضع مطلوب و تحقق دغدغه‌های مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای، برای رشد و شکوفایی علمی، فکری، تولید دانش و استقلال در علوم و معارف، تلاش بیش‌تری لازم است. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، حرکت‌ها و جهت‌گیری‌های امیدبخشی در برنامه‌ریزی کشوری و ناحیه‌ای در سطح کلان صورت گرفته است؛ اما هنوز موانع و مشکلاتی بر سر راه این توسعه و رونق علمی و آموزشی وجود دارد.

در آموزش عالی و آموزش و پرورش به علت کم توجهی به نهادینه شدن پژوهش و حاشیه‌ای بودن تحقیقات، تدوین برنامه‌های آموزشی و درسی با روش‌های قدیمی تهیه و ارائه می‌شود. از سوی دیگر، تأثیر کنکور بر فعالیت‌های فرهنگی و تعلیمی کشور موجب گردیده است که برنامه‌های درسی در مقطع متوسطه اعم از نظری، فنی و حرفه‌ای، کارآمدی خود را از دست بدهد و شیوه‌های یاددهی، یادگیری و ارزش‌یابی مدارس، متأثر از شرایط روانی و اجتماعی کنکور باشد. این روند باعث شده تا زمینه‌های پرورشی و نگرشی دانش‌آموزان و ترویج مکارم و فضایل در بین آنان، ابتر بماند.

وجود سیاست تمرکز در تالیف کتاب‌های درسی باعث شده است که این نهاد از حضور متخصصان زنده، خبره و دلسوز، برای تالیف کتاب‌های آموزشی و پرورشی مفید، آموزنده و ارزش‌مند بی‌نصیب باشد و این امر در انحصار عده‌ای خاص، محدود بماند. بروکراسی اداری و نبود استانداردها و ضوابط مشخص نیز، این روند را دچار کاستی و نقصان ساخته است.

درباره کتاب‌های کمک آموزشی این وضع بسیار نگران‌کننده‌تر است؛ زیرا زبان، موقعیت سنی، میزان درک و فهم دانش‌آموزان و دانشجویان، معیارها و ارزش‌های متعالی در آن‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و غالباً اهداف تجاری، فصلی و مصرفی در تدوین آنها لحاظ می‌گردد.

کتاب آموزشی مطلوب باید حقایق را مطرح کند و از دانش‌آموز بخواهد درباره محتویات آن فکر کند، پژوهش نماید و مبانی آن را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار بندد؛ در حالی که در وضع کنونی، تمام تلاش‌ها بر این تعلق گرفته است که از کتاب‌ها، تست استخراج گردد و جواب‌هایی حاضر و آماده برای آن‌ها تهیه شود، چنین فردی وقتی فارغ التحصیل می‌گردد متوجه می‌شود که فقط مقداری محفوظات را بر ذهن و فکر خود تحمیل کرده است در حالی که نمی‌تواند در مسائل اجتماعی، فرهنگی، فنی و کاربردی از ذهن خود کمک بگیرد؛ چون اندیشه‌اش به شکوفایی لازم نرسیده و صرفاً تعدادی فرمول و واژه و چندتعریف و توصیف خشک و بی‌روح را به صورت بسته‌بندی شده در مغز خود جایگزین ساخته است؛ همین وضع آشفته موجب می‌گردد که معایب زیادی دامن فرد و جامعه را بگیرد و مردم هزینه‌ها و خسارات سنگینی را برای یاد نگرفتن اصول بدیهی و مبانی کاربردی و مفاهیم ارزشی بپردازند.

علم، این نیست که دانش آموز همه‌چیز را حفظ کند، بلکه او باید فراگیرد که چگونه اطلاعات را به دست آورد و بداند آموزش‌های بنیادی چه کاربردی دارد و چه گرهی از مشکلات جامعه و زندگی مردم باز می‌کند. برای گسترش و شکوفایی معارف باید همراه با حرکت علمی، از رشد ارزش‌ها و متبلور

کندوکاوی در کتاب‌های آموزشی، علمی و روان‌شناسی

نمودن آن‌ها در اخلاق و رفتار غافل نشد؛ چون اگر علم و ایمان باهم نروم نگرند فاجعه‌ای خطرناک به بار می‌آورد.

مشکل عمده دانش و تکنولوژی غربی این است که از اخلاق و باورها فاصله گرفته است به همین علت عوارض و نابسامانی‌های بی‌شماری را برای خانواده‌ها به ارمغان آورده و درواقع، چون رودخانه‌ای طغیان‌گر و سیلی بنیان‌کن، ارزش‌ها و سنت‌های اصیل را به کام خود فرو کشیده است. این وضعیت حتی اعتراض دانشمندان غربی، چون نیل‌پستمن، نوام چامسکی، الوین تافلر، والت ترنر استیسن، ایوا اتزیونی‌هالوی و ... را برانگیخته است و آنان در آثار خویش عواقب ادامه چنین روند مهلکی را خاطرنشان کرده‌اند، از این جهت مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«اگر ما آموزش و پرورش فعالی داشته باشیم؛ اما در کار تربیت با معنای اسلامی آن که برای ما مهم است، توفیقی به‌دست نیاوریم، ناکام و ناموفق مانده‌ایم.» ایشان هم‌چنین در دیدار با اعضای معاونت آموزش وزارت آموزش و پرورش در سه شهریور ۱۳۸۲ فرموده‌اند:

«یک وقت است که می‌خواهیم مجموعه‌ای از اطلاعات و معلومات و معارف را به‌تدریج در ذهن کودکان و نوجوانان و جوانان وارد کنیم، این خوب است؛ لیکن کافی نیست. ما باید اهدافی را که در مورد یک شخصیت ایرانی مطلوب به‌ذهنمان می‌رسد، در نظر بگیریم و کاری کنیم که در تعلیم، این اهداف تحقق پیدا بکند. فرض کنید ما می‌خواهیم ایرانی نسل بعد، یک انسان دین‌باور و متدین و متشرب باشد، این باید در کتاب‌های درسی رعایت شود. اگر می‌خواهیم اهل علم و تولید فکر باشد این باید در کتاب‌های درسی دیده شود. این‌ها باید در عمل مشاهده شود. هیچ‌ان‌ها و جریان‌های جاری را که غالباً انگیزه سیاسی دارند، ندیده بگیرید و سعی کنید این‌ها را [در تالیف کتب درسی] دخالت ندهید. ملال آور بودن کتب درسی موجب شده است که علاقه‌مندان، به کتاب‌های غیردرسی روی آورند؛ اما این کتاب‌ها دچار مشکلات اساسی و غیرقابل اغماض هستند».

● این بحث ادامه دارد

کتاب آموزشی مطلوب باید حقایق را مطرح کند و از دانش‌آموز بخواهد درباره محتویات آن فکر کند، پژوهش نماید و مبانی آن را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار بندد؛ در حالی که در وضع کنونی تمام تلاش‌ها بر این تعلق گرفته است که از کتاب‌ها، تست استخراج گردد و جواب‌هایی حاضر و آماده برای آن‌ها تهیه شود.

علم، این نیست که دانش آموز همه‌چیز را حفظ کند، بلکه او باید فراگیرد که چگونه اطلاعات را به دست آورد، و بداند آموزش‌های بنیادی چه کاربردی دارد و چه گرهی از مشکلات جامعه و زندگی مردم باز می‌کند.

کتاب آموزشی مطلوب باید حقایق را مطرح کند و از دانش‌آموز بخواهد درباره محتویات آن فکر کند، پژوهش نماید و مبانی آن را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار بندد؛ در حالی که در وضع کنونی تمام تلاش‌ها بر این تعلق گرفته است که از کتاب‌ها، تست استخراج گردد و جواب‌هایی حاضر و آماده برای آن‌ها تهیه شود.